



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

سیر تکاملی زبان فارسی از گذشته تا به حال و جایگاه آن در ایران و جهان

زهرا صمدی سیلابی

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان شهید صدوقی کرمانشاه

samadisilabizahra@gmail.com

چکیده

هدف از تحقیق انجام شده فوق بررسی سیر تحول و تکامل زبان فارسی و جایگاه آن از دوران ایران باستان تا به امروز است که در وهله اول به بررسی تاریخچه این زبان پرداخته شده و بیان شده است که این زبان از ریشه زبان هندو- ایرانی است که بیش از نیمی از ایرانیان با این زبان مکالمه می کنند. پس از آن به جایگاهی که زبان فارسی در جهان و ایران داشته است پرداخته شده است. بعد از آن به اعتبار زبان فارسی در سه دوره باستان، میانه و نو پرداخته شده است و بیان شده است که در دوره باستان از خط میخی استفاده می شده و در دوره میانه از زبان میانجی استفاده می شده است و در دوره نو از زبان فارسی که هم اکنون برای نگارش نامه ها و اسناد و ... استفاده می شود، مورد توجه قرار گرفته است. بعد از آن نیز به زبان های ایرانی پرداخته شد و بیان گردید که زبان فارسی در کشور هایی مثل ایران، تاجیکستان، افغانستان بخشی از هند و ... مورد استفاده قرار گرفته است. در آخر نیز به نقش زبانی زبان فارسی پرداخته شد که نقش هایی مثل نقش ارتباطی، نقش تفکری و ... را داشته است. نتیجه گیری نهایی نیز به این صورت بود که زبان فارسی از زمان باستان در ایران وجود داشته و از زمان هخامنشی تا به امروز دوام داشته است و هر روز بیشتر غنی و پربار می شود و در زمان حاضر نیز استفاده های فراوانی از آن می شود.

The purpose of the above research is to investigate the evolution and evolution of the Persian language and its position from the ancient Iranian era to the present day, which primarily examines the history of this language and states that this language is from the root of the Indo-Iranian language. More than half of Iranians speak this language. After that, the position that the Persian language has had in the world and Iran has been discussed. After that, the Persian language was recognized in three ancient periods, Middle and new have been discussed and it has been stated that cuneiform was used in the ancient period and intermediate language was used in the middle period, and in the new period Persian language, which is now used for writing letters and documents and ... is used, has been noticed. After that, Iranian languages were discussed and it was stated that Persian language has been used in countries like Iran, Tajikistan,



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

Afghanistan, part of India and... Finally, the linguistic role of Persian language was discussed, which has roles such as communication role, thinking role and. The final conclusion was that the Persian language has existed in Iran since ancient times and has lasted from the Achaemenid period until today, and it becomes more rich and fruitful every day, and it is used a lot in the present time.

کلمات کلیدی: زبان فارسی، تکامل، تاریخی، ایران باستان، جایگاه

مقدمه

همه زبان های جهان، چه مرده و چه زنده، سرگذشتی تاریخی دارند. تاریخ هر زبان را میتوان از جنبه های مختلف و با رویکرد های نظری متفاوت بررسی کرد (محمودزهی، ۱۴۰۱). جاذبه ی افسونگر زبان فارسی، طی قرن های پیاپی، در خاور و باختر جهان به اندیشه مندان و پژوهشگران زبان فارسی شور و انگیزه ی دیگری بخشیده است. در طول قرن های گذشته، در آسیا، اروپا و آمریکا، پژوهشگران بسیاری به مطالعات زبان فارسی پرداخته اند و به اندیشه های ژرف نویسندگان و شاعران پارسی گوی به دیده ی تحسین نگریسته اند (مشکوه الدینی، ۱۳۸۵). زبان به عنوان ویژگی انحصاری انسان، لازمه فرهنگ و تشکیل اجتماع انسانی به تعداد و در صدر ویژگی های زندگی انسان جای دارد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳). بررسی زبان های باستانی و دنبال کردن سیر تحول آنها از گذشته تا حال، بدون کاوش در تاریخ و مطالعه تاریخی- تطبیقی ممکن نیست. زبان ملی هخامنشیان، یکی از زبان های خانواده ی هند و اروپایی است که متعلق به قوم پارس بوده و به صورت کتیبه هایی بر بلندای کوه ها، سردر کاخ ها، لوحه های گلی، اشیاء، دیوار ها و مجسمه ها به یادگار مانده است. مهم ترین اثر بازمانده از فارسی باستان کتیبه کوروش بر کوه بزرگ بیستون است که به سه زبان عیلامی، اکدی و فارسی باستان حک شده است. پس از کوروش نیز کتیبه نویسی ادامه یافت و از زمان خشایارشا، اردشیر اول، داریوش دوم، اردشیر سوم و اردشیر سوم نیز، کتیبه هایی بر جای مانده است (کردزعفرانلو کامبوزیا و همکاران، ۱۳۸۹). تاکنون بیش از هشتاد کتیبه به زبان فارسی باستان از دوره فرمانروایی هخامنشیان در نقاط مختلف ایران کشف شده است. از آنجایی که این کتیبه ها از خطا، اصلاح و دگرگونی های ایجاد شده بدست نسخه برداران در امان مانده اند بنابراین تحقیق و بررسی این اسناد بسیاری از مسائل مربوط به تاریخ، تمدن و فرهنگ آزمان را برای ما روشن میسازد. با وجود مطالعات مفصلی که بر روی کتیبه های فارسی باستان صورت گرفته تاکنون توجه خاصی به بررسی این کتیبه ها از لحاظ سبک شناسی و ساختار نگارش آنها نشده است. به نظر می رسد که دبیران الگوهای خاصی برای نگارش کتیبه ها در دست داشته اند (جعفری دهقی، ۱۳۹۰). در کل زبان فارسی از گذشته تا به حال تحولات زیادی را به خود دیده است؛ به طوری که در ایران باستان زبان فارسی با خط تصویری و بعد از آن عموماً با خط میخی روی کتیبه هایی نوشته می شدند که موضوع بیشتر آنها در مورد عظمت پادشاه و یا خدایان آن زمان به خصوص هورامزدا بود که بیشتر آنها به عنوان میراث فرهنگی نگهداری می شوند. این در حالی است که پس از ورود اسلام به ایران و به دنبال آن حکومت های زندیه افشاریه و قاجار زبان فارسی دچار تحولاتی شد. از جمله اینکه زبان فارسی در این زمان تغییر کرد و به صورت حروف الفبای امروزی درآمد. در زمان حال نیز زبان فارسی تحولات فراوانی به خود دیده و دچار پیچیدگی های فراوانی شده است به



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

صورتی که برای در کنار هم قرار گرفتن حروف، کلمات و جملات قوانینی وضع شده است و از ژرف نگری خاصی برخوردار شده است. یاحقی، (۱۳۶۴) معتقد است، زبان فارسی از جنبه های بسیاری دارای اهمیت است: دارای ادبیات و حامل فرهنگی بسیار غنی است؛ از جمله عناصر هویت ملی ایرانیان، افغانستانی ها و تاجیکستانی ها است؛ بسیاری از متون اسلامی بدان نوشته یا ترجمه شده است (امینی، ۱۳۹۶). بیشتر زبان هایی که امروز در ایران و هندوستان تکلم می شود، از ریشه زبان واحدی مأخوذ است که طوایف آریایی ایران و هند، بدان تلکم و گفت و گو می کردند. بدین لحاظ امروز کلمه آراین یا آریایی به تمام این اقوام و زبان های آنان باز می گردد و گاه به جای کلمه ی آراین، هند و ایرانی نیز به کار برده می شود (اسماعیلی و عبدالصمدی، ۱۴۰۱). دستور نویسی زبان فارسی، مراحل متعددی را پشت سر گذاشته و خصوصیات جغرافیای ایران، تاریخی ویژه را برای زبان و مردم آن رقم زده است؛ نخست این که ایرانیان با آنکه در تدوین اصول و قواعد صرف و نحو، زبان شناسی و حتی بلاغت کهن زبان عربی نقشی کلیدی و انکار ناپذیر داشته اند (فضیلت، ۱۳۹۲).

سوال: آیا زبان فارسی در گذر زمان از تکامل مورد توجهی برخوردار شده است.

تاریخچه زبان فارسی

زبان فارسی از قدیمی ترین زبان ها و از گروه زبان هندو-ایرانی (آراین) است که تمامی زبان های شبه قاره هند، ایران و اروپا را دربرمی گیرد. بیش از پنجاه درصد جمعیت ایران، ۲۵ درصد از جمعیت افغانستان و حدود ۲ میلیون نفر از جمعیت پاکستان به زبان فارسی صحبت می کنند. زبان فارسی زبان اصلی خاندان هخامنشی بوده است که امروزه به آن فارسی باستان می گویند که با خط میخی نوشته می شد. از زبان فارسی باستان چهار لهجه شناخته شده است: مادی، سکایی، اوستایی و فارسی باستان. از لهجه های مادی و سکایی که در غرب ایران و مناطق تحت فرمانروایی مادها و شمال ایران از مرزهای چین تا دریای سیاه کلمات و آثار محدودی به جا مانده است. اوستایی و فارسی باستان گویش مردم اطراف دریاچه هامون بوده است. زبان فارسی باستان در طول چندین قرن دچار دگرگونی های متعددی شد تا به صورت فارسی میانه درآمد که به آن پهلوی هم می گویند. خط پهلوی ۲۵ علامت داشت و از راست به چپ نوشته می شد. در زبان فارسی میانه نیز با ورود اسلام به ایران تغییراتی صورت گرفت و با برخی کلمات عربی درهم آمیخت و فارسی دری نام گرفت. زبانی که امروزه ایرانیان با آن صحبت می کنند ادامه فارسی دری است و الفبای آن نیز از الفبای عربی گرفته شده است (سایت فست مترجم).

مسئله جایگاه زبان فارسی

جایگاه زبان فارسی در جهان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انسان، موجودی جمعی است و ارتباط داشتن با دیگران و گذراندن وقتی هر چند اندک با آنها از نیازها و ضرورت های زندگی هر کسی است؛ چون بشر دوست دارد که تجربه ها، علاقه ها، غم ها و آلام خود را با انسان هایی از جنس خود شریک شده و اطلاعات زندگی اش را با دیگران به اشتراک بگذارد. این برقراری رابطه از طریق زبان همواره می شود و زبان عامل انتقال اطلاعات از یک فرد به شخصی دیگر محسوب شده و مردم در قالب کلمه و جمله، افکار خود را به هم شناسانده و به فریاد دردهای مشترکشان برمی خیزند. با پیشرفت تکنولوژی و علم کامپیوتر و شکل گیری عالمی دیگر با عنوان دنیای مجازی، نیاز انسان به برقراری رابطه با دیگران از گذشته پیشی گرفته و اگر در زمان های قبل رابطه برقرار کردن محدود به آشنایان و اطرافیان هر فردی بود، این روز ها دایره ارتباطات هر فرد به همه انسان هایی که در زمین زندگی می کنند، محدود می شود. اما افرادی که این روزها در پنج قاره مختلف به هم پیوند خورده اند، از زبانی مشترک برخوردار نیستند و به گویشی واحد نیاز است تا مردم دنیا در قالب کلمات آن زبان خاص به معاشرت با هم پرداخته و در جهت نیل به اهداف مشترکشان پیش روند. زبان جهانی، به زبانی اطلاق می شود که در بیشترین کشورهای جهان صحبت و فهمیده شود، البته عوامل زیادی در میزان محبوبیت یک زبان خاص در میان جهانیان مهم است و این عوامل باعث شده تا ابتدا انگلیسی و سپس اسپانیایی با عنوان زبان های بین المللی شناسانده شوند. اما جایگاه زبان فارسی در میان این حجم عظیم از زبان ها کجاست؟ غنای ادبیات فارسی که مملو از تلمیحات، تعابیر و ظرایب شوق انگیز و منطبق و سازگار با فطرت انسانهاست، در دنیای امروز، همچنان جان و روان مخاطبان و علاقه مندان خود را تحت تأثیر قرار می دهد و بدون شک زبان فارسی یکی از خوش آهنگ ترین زبان هاست که گوش کسانی را هم که به این زبان مسلط نیستند، می نوازد. بدون شک می توان گفت ادبیات فارسی یکی از مهم ترین حلقه ها در سلسله آثار ادبیات جهانی و گوهری ممتاز در شوق زمین و دنیای اسلام است که در واقع محصول فرایندی عظیم از برخورد ها و تأثیرپذیری های متقابل است که در طول قرن ها انجام پذیرفته و آن را به یکی از بزرگترین میراث فرهنگی بشریت تبدیل کرده است. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا، زبان فارسی آموزش داده می شود که این خود گواهی بر غنای ادب فارسی و جایگاه والای آن در میان دیگر زبان های ملل است که منشا این اهمیت هم به دانش و بینش و فرهنگ بالای مردم ادیب این مرز و بوم، از گذشته تا حال بازمی گردد. شاید زبان پارسی، زبان جهانی نباشد و مردم دنیا با آن روز خود را نگذرانند اما به جرات می توان گفت که نوای گوش نواز این زبان در جهان طنین انداز است و فارسی از جمله زبان هایی است که در فرایند پیشرفت جوامع و علم، برقراری ارتباط و مطالعه تاریخ پیشینیان به کار کارشناسان می آید. به هر حال ایران مهد پرورش شاعرانی همچون فردوسی، حافظ، سعدی، مولانا و... است و وقتی زبانی این تعداد شاعر پرآوازه داشته باشد، بدون حتم زبانی خوب و باحجم قابلیت های بالا است که باید قدر آن را دانسته و در حفظ و نگهداری آن اهتمام ورزید (سایت باشگاه خبرنگاران جوان).

جایگاه زبان فارسی در ایران

زبان فارسی پیش از اینکه ایران دارای قانون اساسی شود نیز «زبان مشترک» مردم کشور بوده، یعنی زبان ارتباط و تعامل گویشوران زبانهای مختلف مردم ایران بوده است. فارسی، زبان نگارش نامه ها و اسناد رسمی در داخل کشور و زبان نوشتن عهدنامه هایی بوده که بین حکومت های وقت ایران با کشورهای دیگر منعقد شده است؛ برای نمونه، عهدنامه های گلستان (۱۸۱۳) و ترکمنچای (۱۸۲۸)،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

که چند دهه پیش از انقلاب مشروطه میان ایران و روسیه منعقد شده به بان فارسی است. گاه حتی به نوشته شدن عهدنامه به زبان فارسی در خود آن اشاره شده است. حق شناس، (۱۳۷۴) معتقد است، این زبان به دلایل مختلف از فراگیری آن گرفته تا بهره مند بودن آن از گنجینه ارزشمند ادبی و تاریخی خود به صورتی طبیعی به زبان ارتباطی مردم و زبان موقعیتهای رسمی و دولتی تبدیل شده است. این نکته نیز درخور بازگوییهای چندین باره است که با اینکه حکومت ایران پس از اسلام در بیشتر دوران خود در دست غیرفارسی زبانان بوده است، همواره جایگاه رسمی زبان فارسی حفظ شده است. این نکات البته نکات جدیدی نیست؛ اما بازگویی آنها به چند دلیل از اهمیت برخوردار است: (۱) در طول تاریخ ایران با اینکه تنوع قومی، مذهبی و زبانی همواره زبان فارسی زبان مشترک بوده، کسی آن را به کسی تحمیل نکرده است و اصولاً فارسی زبانان ایران در بیشینه این دوران در موقعیتی نبوده اند که بتوانند این زبان را به غیر فارسی زبانان ایران تحمیل کنند. (۲) این موضوع در زدودن تردیدهایی که امروزه جریانهای مشخصی در مورد جایگاه زبان فارسی به صورتی کاملاً حساب شده مطرح می کنند، بسیار مؤثر است. (۳) جایگاه رسمی زبان فارسی در کشور ما، همان گونه که در طول تاریخ هیچ گونه مانعی برای حفظ زبانهای دیگر ایران نیافریده و به حذف یا تضعیف هیچ یک از آنها نینجامیده است، امروز نیز در تضاد با حفظ زبانهای دیگر ایران نیست. این زبان از گذشته با زبانها، گویشها و لهجه های مختلف کشور در حال بده بستان بوده است؛ بده بستانی که ضرورت آن امروزه از گذشته نیز بیشتر است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل دوم با عنوان «زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور» جایگاه زبان فارسی مشخص شده است: «اصل پانزدهم، زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد، مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید به این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.» تحلیل آنچه در این ماده آمده است نشان میدهد، که قانونگذار در تنظیم آن نگاه ظریف و بسیار دقیقی داشته است: نکته نخست این است که در این ماده جایگاه زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و مشترک مردم ایران مشخص شده است. در واقع، قانونگذار در ماده ۱۵ قانون اساسی جایگاهی را که زبان فارسی در طول تاریخ ایران همواره داشته به رسمیت شناخته است. نکته دوم این است که این زبان هم زبان رسمی است، و هم زبان مشترک که هر یک دارای تعریف خاص خود در نوشتگان زبانشناسی است و این نشانگر دقت نظر قانونگذار در این زمینه بوده است. هم چنین قانونگذار در مشخص کردن جایگاه زبان فارسی از توصیف آن به عنوان زبان «ملی»، که توصیف احساسی تر زبان است، خودداری کرده که این نیز در خور توجه است. البته در همین بخش نخست ماده ۱۵ قانون اساسی به رسمی و مشترک بودن خط فارسی هم اشاره شده است که از آنجا میتواند مهم باشد که مسأله نگارش زبان فارسی به خط های دیگر یا تغییر خط فارسی به خط دیگری را منتفی میداند. در بخش دیگر ماده ۱۵ قانونگذار به طور مصداقی به کاربردهای زبان و خط فارسی اشاره کرده است که شامل زبان و خط اسناد و مکاتبات و متون رسمی و «زبان و خط «کتب درسی» می شود. بر این اساس هر سند مکاتبه و متن رسمی و نیز کتاب درسی در کشور باید به زبان فارسی به نگارش درآید تأکید قانونگذار بر لزوم کاربرد زبان فارسی در این عرصه ها بخوبی در عنصر وجه نمایی که او در شناسه گذاری گزاره مورد نظر به کار برده است («باید») متجلی است. نکته دیگری که در همین قسمت از ماده مورد نظر میتواند مطرح باشد، جایگاه زبان فارسی به عنوان زبان آموزش است؛ بدین معنی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

که وقتی زبان رسمی و مشترک مردم ایران فارسی باشد و «کتب درسی» نیز «باید» به این زبان و خط نوشته شود به طور طبیعی زبان آموزش نیز باید در محیط های آموزشی زبان فارسی باشد (امینی، ۱۳۹۶).

اعتبار زبان فارسی در سه دوره تاریخی زبان های ایرانی

۱- دوره باستان

مکان پیدایش زبان فارسی به عنوان یک زبان مستقل، خاستگاه قوم پارس است. قرشی (۱۳۸۹) این مکان را جایی از نواحی جنوبی افغانستان امروز، وادی هلمند میدانند. وی تاریخ استقرار خانواده هخامنش را در پارس حدود قرن هفتم پیش از میلاد میدانند. بنابراین با احتساب سه قرن مهاجرت از خاستگاه اصلی (هلمند) تا استقرار در سکونتگاه دائمی (پارس)، و ادامه آن تا امروز، در نظر گرفتن یک دوره ۳۰۰۰ ساله از حیات زبان فارسی می تواند توجیه پذیر باشد. به نظر می آید پس از انشقاق زبانهای ایرانی از پیکره زبان مادر مشترک، بار دیگر برای اتحاد اقوام ایرانی نیاز به یک زبان مشترک جدید احساس میشود. برای این منظور، آنها یکی از زبانهای ایرانی را که همان فارسی باشد، به عنوان زبان مشترک خود برگزیدند. بدین ترتیب با پشتیبانی حکومت هخامنشی یک زبان ایرانی معتبر که همان «فارسی» باشد، شکل گرفت. شاهدی در دست نیست که پیش از کوروش دوم هخامنشی زبان فارسی از حمایت حکومتی برخوردار بوده باشد. بنابراین، میتوان حدس زد که وی سنگ بنای حمایت دولتی از زبان فارسی را گذاشت. به گفته یانگ، کوروش که شاهی مقتدر و نظر گیر بود، توانست بعضی از گروههای پارسی و ایرانی را دور هم گرد آورد و به کمک آنها به جهانگشایی بپردازد (۱۳۹۴). البته مزداپور عقیده دارد آن پادشاه هخامنشی که بین اقوام پراکنده ایرانی اتحادی پدید آورد، داریوش اول بود. وی میگوید از پیامدهای این اتحاد یکی پیدایش زبانی واحد بود که با آن ارتباط میان اقوام پراکنده را سامان بخشید (۱۳۹۷). مزداپور تأکید دارد که همپای اقدامات و کارهای اجتماعی و اقتصادی اصلاحات و خدمات متعدد و ابداعات پرشماری که در دوران داریوش یکم انجام گرفت یکی هم نهادن بار سیاست بر دوش زبان فارسی، و واگذار کردن نقش سیاسی به آن بوده است. با چنین اقداماتی، شالوده یک «زبان ملی» به کمک یک نهاد حکومتی برای ایرانیان ریخته شد. گام دوم در حمایت حکومتی از زبان فارسی زمانی برداشته شد که خطی برای نگارش کتیبه های فارسی باستان ابداع شد و نخستین شواهد نگارشی یکی از زبانهای ایرانی رقم خورد که میتوان آن را منشأ یک رویداد تاریخی مهم دانست. درباره اینکه کدام پادشاه هخامنشی به چنین کاری دستور داد اندکی اختلاف است اما به نظر مولایی (۱۳۹۸) با اطمینان میتوان گفت که کهنترین شواهد نوشتاری از این خط، کتیبه داریوش در بیستون است. وی برای تأیید سخن خود از بندهای ۸۸-۹۲، از ستون چهارم کتیبه بیستون کمک می گیرد که در آن داریوش میگوید به خواست هورامزدا این نبشته را من به زبان آریایی نوشتم و علاوه بر این روی لوح هایی از گل و چرم هم نوشته شد. ... آنگاه من این نبشته را به همه جا و به همه کشورها فرستادم. مردم آن را پذیرا شدند (Kent, 1953). گام سوم به اعتبار بخشی زبان فارسی اعلام رسمیت آن در دوره هخامنشی است. خانلری (۱۳۶۶) معتقد است که پایه رسمیت زبان فارسی در دولت هخامنشی ریخته شده است. همان زبانی که ما امروز آن را فارسی باستان می شناسیم و در سنگ نوشته های خاندان هخامنشی به کار رفته است (محمودزهی، ۱۴۰۱).



شکل ۱- نمونه سنگ نوشته باقی مانده از دوران باستان

۲- دوره میانه

هنوز دوره هخامنشی پایان نیافته بود که آثاری از تحول فارسی باستان در فرزندش (فارسی میانه) در حال شکل گرفتن بود. با تسلط اسکندر و جانشینانش بر ایران که تمایل به گسترش زبان و فرهنگ یونانی در ایران داشتند، زبان یونانی تا حد زیادی رودرروی فارسی قرار گرفت. اشکانیان هم در اندیشه رواج زبان پارتی بودند و توجهی به زبان فارسی نداشتند. اما پشتوانه اجتماعی اقوام مختلف ایرانی و استفاده از فارسی به عنوان زبان میانجی به صورت غیر مستقیم باعث شد که این زبان بتواند در برابر زبانهایی مانند یونانی، آرامی، ترکی و پارتی تاب آورد و به سلسله ساسانی سپرده شود. در دوره ساسانیان زبان فارسی نه تنها زبان میانجی اجتماعی اقوام ایرانی و بعضی از اقوام دیگر در حوزه امپراتوری ساسانی بود بلکه زبان میانجی اداری و دیوانی این امپراتوری شد. در این دوره به جز عوامل حکومتی و مردمی، عوامل فرهنگی و مذهبی هم به کمک فارسی آمدند و پس از آن، فارسی به درجه زبان معیار نیز ارتقا یافت. رضایی (۱۳۸۳)، عقیده دارد که در اثر یک روند طبیعی فارسی میانه، زبان معیار دوره ساسانی قرار گرفت و معیار بودن آن همچنان تا امروز در ایران رایج است. محمودزهی و بهره مند (۱۳۹۸) اعتقاد دارند، یکی از فعالیتهای فرهنگی چشمگیر برای اعتباریابی زبان فارسی در دوره ساسانیان ترجمه متون از زبانهای دیگر به زبان فارسی بود. اهمیت ترجمه در دوره ای از فرمانروایی ساسانی مانند زمان شاپور اول یا خسرو انوشیروان به خصوص در جریان اصلاحات بعد از نهضت مزدک به اندازه ای بود که این دوره را می توان به نام نهضت ترجمه شناخت. به طور کلی در کنار حمایتهای دولتی از زبان فارسی، در دوره ساسانی مستندات فرهنگی و مذهبی زیر باعث اعتباریابی زبان فارسی شده است: کتیبه های شاهان و رجال ساسانی، کتابهای دینی زردشتی و بعضی متون مانوی و مسیحی، نوشته های غیردینی زند و پازندهای اوستایی، مهرها، سکه ها، ترجمه آثار علمی و فلسفی از زبانهایی مانند هندی، یونانی، بابلی، چینی، و پارتی در پادشاهی ساسانی زبان فارسی که مراحل ملی، رسمی و معیار بودن خود را طی کرده بود، تقریباً جای خود را به عنوان زبان میانجی بسیاری از سخنگویان ایرانی زبان هم باز کرد. در این دوره، فارسی میانه در معارضه سختی با دیگر زبانهای پررواج و قدرتمند آن زمان مانند پارتی یونانی و ترکی قرار گرفت. اما قدرت گرفتن و رسمیت یافتن زبان فارسی باعث شد که زبانهای



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دیگر نتوانند در مقابل آن عرض اندام کنند؛ چنانکه یونانی در ایران از اعتبار افتاد و پارتی جای خود را عملاً به فارسی میانه داد (محمودزهی، ۱۴۰۱).

۳ دوره نو

هنوز دوره ساسانی پایان نیافته بود که آثاری از تحول فارسی میانه در فرزندش (فارسی نو) دری در حال شکل گرفتن بود با سقوط سلسله ساسانی، زبان فارسی برای مدتی پشتیبانی دولتی خود را از دست داد. در چند قرن اول اسلامی فارسی، زبان رسمی ایران نبود. ابوالقاسمی (۱۳۹۳)، معتقد است، یعقوب لیث صفار در ۲۵۴ هجری زبان فارسی دری را در حوزه حکمرانی خود، زبان رسمی اعلام کرد که رسمیت آن تا کنون ادامه دارد. اما در تمام آن دوران از فارسی دری به عنوان زبان گفتار روزمره مردم و از فارسی میانه برای نوشتن بسیاری از آثار استفاده میشد. در دوره اسلامی فارسی از روبرویی با زبانهای دیگر به خصوص دو زبان عربی و ترکی در امان نبود. اما در تمام این دوره میزان اعتبار فارسی به حدی بود که از آماج این زبانها جان سالم به در ببرد. در اینجا به دو نمونه از فشارهای زبان عربی بر زبان فارسی به صورت نقل قول از سامی و آشوری اشاره میشود: سامی (۱۳۹۳)، معتقد است تا زبان غالب نمیخواستند زبان ایرانی که بهترین عامل وحدت ایرانیان بود روزی سبب شورش و طغیان شود و مردم از اطاعت آنها سربچی کنند، مضافاً به اینکه خط و زبان فارسی را مانع نشر و رواج قرآن میدانستند و کتابهای فارسی را متعلق به مجوس و گمراه کننده میپنداشتند. از همین رو کوشش کردند تا این زبان را براندازند و در نتیجه خط و کتاب و کتابخانه ها را در شهرها نابود کردند. آشوری (۱۳۸۹)، معتقد است که گاه فشار بر فارسی تا جایی بوده است که شخصی چون زادن فرخ به این احساس رسیده است که صالح بن عبدالرحمن ریشه زبان فارسی را برکنده است؛ با این مضمون خدایت ریشه از جهان برکند که ریشه پارسى برکندى (محمودزهی، ۱۴۰۱).

زبان ها و زبان های ایرانی

فارسی زبانی است که امروز بیشتر مردم ایران، افغانستان و تاجیکستان و بخشی از هند، ترکستان، قفقاز و بین النهرین بدان زبان سخن میگویند، نامه مینویسند و شعر می سرایند. ابوالقاسمی (۱۳۶۹)، معتقد است، «تاریخ زبان ایران تا هفتصد سال پیش از مسیح روشن و در دست است و از آن پیش نیز از روی آگاهی های علمی دیگر می دانیم که در سرزمین پهناور ایران - سرزمینی که از سوی خراسان (مشرق) به مرز تبت و ریگزار ترکستان چین و از جنوب شرقی به کشور پنجاب و از نیمروز (جنوب) به سند و خلیج پارس و بحر عمان و از شمال به کشور سکاها و سارماتها (جنوب روسیه امروز) تا دانوب و یونان و از مغرب به کشور سوریه و دشت حجاز و یمن می پیوست مردم به زبانی که ریشه و اصل زبان امروز ماست سخن می گفته اند». ابوالقاسمی (۱۳۷۹)، معتقد است زرتشت پیامبر ایرانی میگوید که ایرانیان از سرزمینی که «ایران ویج» نام داشت و ویژه ی ایرانیان بود، به سبب سرمای سخت و پیدا آمدن ارواح اهریمنی کوچ کردند و به سرزمین ایران در آمدند. دانشمندان دیگر نیز دریافته اند که طایفه ی «آیریا» از سرزمینی که زادگاه اصلی آنان بود، برخاسته گروهی به ایران، گروهی به پنجاب و برخی به اروپا شتافته اند و در این کشورها به کار کشاورزی و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

چوپانی پرداخته اند و زبان مردم ایران، هند و اروپا همه شاخه هایی هستند که از آن بیخ رسته و باز هر شاخ شاخه ی دیگر زده و هر شاخه برگ و باری دیگرگون برآورده است» (اسماعیلی و عبدالصمدی، ۱۴۰۱).

نقش های زبانی در حال حاضر

در حال حاضر نقش هایی مثل نقش ارتباطی، نقش بیان تفکر و احساسات افراد، نقش هنری و... را به زبان فارسی ارتباط داده اند. این ربان در مرز و بوم ایران بیشتر نقش ارتباطی دارد و افراد با استفاده از این زبان قادر هستند که با یکدیگر ارتباطی را برقرار کنند که با استفاده از آن بتوانند تفکرات خود را به طرف مقابل انتقال دهند.

نتیجه گیری

زبان فارسی از زمان ایران باستان در این مملکت وجود داشته است. فارسی باستان، این زبان که فرس قدیم و فرس هخامنشی نیز خوانده شده، زبان رسمی آریاییان در دوره هخامنشی بود، و در آن با سنسکریت و اوستایی خویشاوندی نزدیک دارد (اسماعیلی و عبدالصمدی، ۱۴۰۱). مهمترین اسناد و مدارکی که از فارسی باستان بر جای مانده همان کتیبه ها و سنگ نوشته هایی است که از دوران پادشاهان هخامنشی بر جای مانده و موضوع اکثر این کتیبه ها عظمت پادشاهان هخامنشی و نیز خدایان آنها از جمله خدای اهورامزدا است که بر روی کتیبه ها نوشته شده و اکنون نیز بر جای مانده اند. هر چند که فارسی در روند تکاملی خود راهی پر پیچ و خم را گذرانده است، اما می توان گفت در مجموع، هر سه عامل تأثیرگذار «زمان، مکان و انسان» تا حد زیادی به نفع فارسی بوده اند. پیش از اسلام، به طور کلی همت جمعی ایرانیان با محوریت دو دولت هخامنشی و ساسانی از فارسی زبانی معتبر ساخت. بعد از اسلام عواملی مانند قدرت سیاسی- حکومتی، مذهب، ترجمه، مقاومت، شعر و ادبیات و خوشنویسی، پشتوانه اجتماعی و... به فارسی اعتبار بخشید و فارسی هم بار مسئولیت هایی مانند زبان ملی، زبان رسمی، زبان معیار، زبان میانجی، بستر فرهنگی، وحدت بخشی ایرانیان و ... را به دوش کشید (محمودزهی، ۱۴۰۱).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع

- ۱- اسماعیلی، محبوبه؛ عبدالصمدی، کلثوم. پژوهشی در زبان فارسی. نشریه پژوهشنامه اورمزد. - (۵۹). ۲۵۵-۲۸۲
- ۲- امینی، رضا. چالشهای امروز زبان فارسی. نشریه پژوهشهای ادبی. (۱۳۹۶). (۱۴۰۱). ۱۴(۵۵). ۹-۳۶
- ۳- جعفری دهقی، شیما. سبک شناسی کتیبه های فارسی باستان. نشریه سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). (۱۳۹۰). ۱۴(پی در پی ۱۱). ۱۷۳-۱۸۲
- ۴- سایت باشگاه خبرنگاران جوان
- ۵- سایت فست مترجم
- ۶- فضیلت، محمود. تأثیر مکتبهای زبان شناسانه در دستور نویسی زبان فارسی. نشریه سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). (۱۳۹۲). ۶(پی در پی). ۵۰۳-۵۲۰
- ۷- کردزعفرانلو کامبوزیا، عالییه؛ اسلامی، فیروزه؛ آفاگل زاده، فردوس. بررسی ساخت هجا و اصل توالی رسایی در زبان فارسی باستان. نشریه جستارهای زبانی. (۱۳۸۹). ۱(۴). ۷۶-۵۱
- ۸- محمودزهی، موسی. اعتبار تاریخی زبان فارسی. نشریه زبان فارسی و گویش های ایرانی (ادب پژوهی). (۱۴۰۱). ۷(۱). ۲۳-۷
- ۹- مشکوه الدینی، مهدی. بررسی ها و مطالعات زبان ها و فرهنگ ایرانی باستان و ایرانی میانه و زبان فارسی نو در چک. نشریه نامه فرهنگستان. (۱۳۸۵). ۸(۲(پیاپی ۳۰)). ۱۵۰-۱۶۷
- ۱۰- موسوی، سید محمد؛ کمالی، الهه؛ کریمی، پدیده؛ صالحی، منصور. بر توسعه زبان و ژنتیک اختلالات تکلم. مجله دانشکده پزشکی اصفهان. (۱۳۹۳). ۳۲-۳۰۱. ۰-۰